

شکی که در نسبت خودمان با خدا پیش می آید

شماره پرسش: ۳۵۰۵۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۲/۲/۲۲ ۰۶:۲۴:۱۷

متن پرسش

سلام: وقتتون بخیر. من خیلی وقته که در وجود خدا شک و تردید دارم و این خیلی حالمو بد میکنه. منی که چادر می پوشم منی که نماز میخونم، منی که میخوام امر به معروف و نهی از منکر کنم، خودم به وجود خدا شک دارم. لطفا خدا رو برای من اثبات کنید. ممنونم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوع شک، شک به وجود خداوند نیست، شکی است که در نسبت با خودمان با خدا پیش می آید و این را باید به فال نیک گرفت و در این رابطه عرض شد: گاه به گاه باید خود را گم کنیم تا دوباره از نو بازیابی شویم

به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا...» فکر کنید که ایمان دیروزین برای حضور در امروز این تاریخ کافی نیست. همان طور که اگر مار نتواند پوست بیندازد می میرد، اگر ذهن انسان برای تغییر دچار مانع باشد، دیگر ذهن نیست، انبار اطلاعات است. اگر خود را در آینده تاریخ خود حاضر نکنیم و همچنان در گذشته متوقف باشیم، عملاً گور خود را پیشاپیش کنده ایم، زیرا در برابر آنچه در حال رشد و بالندگی است، کور و نابینا شده ایم. انسان هایی می خواهیم که نه تنها در نسبت با درک وجودی خود تامل کافی داشته باشند، بلکه معنای سعه توحیدی انقلاب اسلامی را بفهمند که چگونه انقلاب، در این زمانه همچون اقیانوس شده است و دوره دریاچه بودنش به سر آمده. زیرا وقتی خود را در مرحله ای از تاریخ پیدا می کنیم باید سعی کنیم «گاه به گاه خود را گم کنیم» تا دوباره از نو بازیابی شویم. این است آن شدن ابدی که بودن خشک و ساکن نمی باشد. و حضرت امام خمینی

«رضوان الله تعالی علیه» در غزل مشهور خود متذکر آن «بودن دوباره» می شوند و اظهار می دارند:

در میخانه گشایی به رویم شب و روز که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم

موفق باشید